

The Impact of the Ukrainian Crisis on Russian-European Relations

Masoud Motalebidi¹
Hossein Zeinali Bodi²

Abstract

Abstract The West's threat against Russia is mainly addressed in the three domains of Russia's interior, the periphery especially the Commonwealth and the international arena. But Russia's policies and actions are being pursued with particular sensitivity by Russia, as Ukraine is one of the most important Eastern European countries in terms of political and economic geography for the European Union. The geopolitical importance of Ukraine, as the second largest European country on the east and west coasts of the Black Sea, is to the extent that Brzezinski refers to it as the "regional policy train". post-EU expansion However, Ukraine's importance is not only limited to Russia-Ukraine relations, which includes the conflict between Russianist, Westernist movements and Russian military operations, but also a conflict between Russia and the European Union. In this descriptive-analytical study, the key question is how the crisis in Ukraine will affect Russia-Europe relations. In this regard, it examines the geopolitical significance of the Ukrainian crisis for Russia and the European Union and analyzes the Ukrainian crisis of economic and NATO measures to counter Russia and in support of Ukraine.

Key Words: Ukraine, Economy, Europe, Russia, NATO

¹ Assistant Professor of Political Science, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran.

² M.Sc. in International Relations, Mofid University, Qom, Iran.
Mmtph2006@Yahoo.com
Zhossein55@Yahoo.com

تأثیر بحران اوکراین بر روابط روسیه و اروپا

مسعود مطلبی^۱

حسین زینلی بادی^۲

چکیده

تهدید غرب علیه روسیه عمدتاً در سه حوزه داخلی روسیه، حوزه پیرامونی به ویژه جمهوری های مشترک المنافع و حوزه ی بین الملل قابل بررسی است. اما سیاست ها و اقداماتی که در قبال اوکراین اعمال شده است با حساسیت ویژه ای توسط روسیه دنبال می شود چراکه، اوکراین از مهم ترین کشور اروپای شرقی در ابعاد جغرافیای سیاسی و اقتصادی برای اتحادیه اروپاست. اهمیت ژئوپلیتیکی اوکراین، به عنوان دومین کشور بزرگ اروپایی واقع در سواحل شرقی و غربی دریای سیاه، تا بدان جاست که برژینسکی از آن کشور به عنوان «ترن سیاست منطقه ای پس از گسترش اتحادیه ی اروپا» یاد می کند. با این حال اهمیت اوکراین در رابطه ی روسیه و اوکراین که شامل نزاع بین جریانات روس گرا و غرب گرا و عملیات های نظامی روسیه است محدود نمی شود بلکه یک نزاع بین روسیه و اتحادیه اروپا نیز در جریان است. در این تحقیق که به روش تحلیلی و توصیفی گردآوری شده است سؤال اصلی این است که بحران اوکراین چه تأثیری بر روابط روسیه و اروپا دارد؟ و در این راستا با بررسی اهمیت ژئوپلیتیک بحران اوکراین برای روسیه و اتحادیه ی اروپا و تجزیه و تحلیل بحران اوکراین از اقدامات اقتصادی و ناتو برای مقابله با روسیه و در حمایت از اوکراین مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: اوکراین، اقتصاد، روسیه، اروپا، ناتو.

^۱. استادیار علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

^۲. کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه مفید، قم، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

جمهوری اوکراین یکی از کشورهای استقلال یافته از اتحاد شوروی سابق است که در اروپای شرقی واقع گردیده و به لحاظ جغرافیای سیاسی و اقتصادی مهم‌ترین کشور اروپای شرقی است. کشور اوکراین طی دو قرن گذشته، نقش حائل اروپا و روسیه را ایفا کرده و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز مرز اتحادیه اروپا با روسیه محسوب می‌شود. به دلیل همین موقعیت‌های ویژه از دیرباز صحنه رقابت و کشمکش میان گروه‌ها و قدرت‌های مختلف بوده است. تجربه‌ی یک "انقلاب مخملی" در اواخر سال ۲۰۱۳ میلادی نیز در این کشور رخ داد. دلیل این ناآرامی‌ها، عدم امضای توافق نامه همکاری اوکراین با اتحادیه اروپا از سوی رئیس‌جمهور این کشور آقای "ویکتور یانوکویچ" بود. کارشناسان سیاسی و رسانه‌های غربی می‌گویند که ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، یانوکویچ را مجبور به این کار ساخته است. در حقیقت، یانوکویچ در واپسین لحظات متوجه شد که همکاری با اتحادیه اروپا در شرایطی نابرابر، منجر به ورشکستگی صنایع کشاورزی و صنعت در کشورش خواهد شد. از طرفی، مرزهای اوکراین تنها ۶۰۰ کیلومتر تا مسکو فاصله دارند. در زمان جنگ سرد رسیدن پای غرب به این فاصله از قلب بلوک شرق رؤیا بود. اوکراین یکی از سرنوشت‌سازترین حلقه‌های غرب در زنجیره مهار روسیه است.

پس از استقلال اوکراین از یک طرف، جامعه روسیه و سیاستمداران آن، اوکراین را دولتی مستقل و ملتی جدا شده نمی‌دانستند و از طرف دیگر، دولت اوکراین قصد داشت حاکمیت و استقلال سیاسی خود را در روابط با روسیه حفظ کند. اوکراین از اهمیت استراتژیک برای روسیه برخوردار است، زیرا مدخلی زمینی برای جنوب باختری روسیه است و شبه جزیره کریمه مشرف بر ساحل محدود روسیه در دریای سیاه و شهر بندری سواستوپل واقع در شبه جزیره کریمه پایگاه ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه است و از همین رو این شبه جزیره از دیدگاه ژئوپلیتیک اهمیت ویژه برای روسیه دارد. در زمینه انرژی، اوکراین از چند جهت برای روسیه اهمیت دارد. نخست اینکه، اوکراین هم وارد

کننده عمده انرژی و هم یکی از کشورهای اصلی انتقال دهنده انرژی - بویژه گاز - از شرق به غرب اروپا است؛ دوم اینکه نیاز به توسعه زیرساخت‌های اوکراین در زمینه انرژی زمینی مناسبی برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های انرژی روسی فراهم کرده است. وجوه سیاسی راهبرد نفوذ روسیه در اوکراین شامل نفوذ در نظام سیاسی این کشور از راه اقتصادی، سیاسی و نظامی است.

از سویی دیگر اتحادیه اروپا که خواستار نفوذ در منطقه اوکراین بوده است و سعی بر آن دارد تا با داشتن اقتصاد قوی خود اوکراین را به سمت و سوی اقتصاد آزاد بکشد، موضوعی که با واکنش تند روسیه موجب گردید. در این میان بررسی امکانپذیری استخراج گاز از منابع غیرمعارف مانند گاز ماسه‌ای در اوکراین یکی از گزینه‌های احتمالی مورد توجه کشورها و سرمایه‌گذاران غربی است که البته با واکنش روسیه به صورت اشغال و الحاق شبه جزیره کریمه روبه‌رو شد. از همین رو، اوکراین به دلایل عدیده برای قدرتهای جهانی دارای اهمیت سوق الجیشی و راهبردی است.

در این تحقیق که به روش تحلیلی و توصیفی گردآوری شده است سؤال اصلی این است که بحران اوکراین چه تأثیری بر روابط روسیه و اروپا دارد؟ و در این راستا با بررسی اهمیت ژئوپلیتیکی بحران اوکراین برای روسیه و اتحادیه‌ی اروپا و تجزیه و تحلیل بحران اوکراین از اقدامات اقتصادی و ناتو برای مقابله با روسیه و در حمایت از اوکراین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری

نو واقع‌گرایان بر این باورند که سیاست بین‌الملل از نظامی با ساختارهای تعریف شده تشکیل یافته است و نظامهای گوناگون بین‌المللی از لحاظ تعداد قدرت‌های بزرگ آن و توزیع متفاوت قدرت در میان آنها متمایز می‌شوند؛ به عبارت دیگر این تمایز از طریق ساختارهای گوناگون بین‌المللی صورت می‌گیرد که طی آن ساختارهای مشروع بین

المللی قدرت باعث ایجاد انواع گوناگون رفتارهای بین المللی (ثبات و بیثباتی) می شوند... در حالی که واقع گرایان کلاسیک ریشه قدرت را در طبیعت انسان جستجو می کردند. نوواقع گرایان به نبود اقتدار مرکزی در نظام بین الملل اشاره دارند که طی آن انباشت قدرت را برای بقا به دولتها تحمیل می کنند (قوام، ۱۳۹۴: ۸۷). دو نوع گونه ی نوواقع گرایی عبارت است از نوواقع گرایی تهاجمی و تدافعی که رئالیستهای تهاجمی و تدافعی هم گفته می شوند

واقع گرایان تهاجمی معتقدند که آنارشی دولتها را وادار می کند که قدرت نسبی خود را به حداکثر رسانده زیرا امنیت و بقا در درون نظام بین الملل هیچ گاه قطعی نیست و دولتها می کوشند قدرت خود را به حداکثر برسانند. در واقع این آنارشی وضعیتی هابزی است که در آن امنیت کم یاب است و دولتها می کوشند با به حداکثر رساندن امتیازات نسبی خود به آن نائل شوند. از اعضای شاخه واقع گرای تهاجمی می توان به فرید زکریا و جان مرشایمر اشاره کرد. فرید زکریا معتقد است که هنگامی که دولتها ثروتمند می شوند، قدرت نظامی خود را افزایش می دهند و هنگامی که تصمیم گیرندگان اصلی آنها تصور می کنند قدرت آنها از نظر نظامی افزایش یافته راهبردهای تهاجمی اتخاذ می کنند. در واقع از نظر نو کلاسیک های تهاجمی قدرت دولت مهم تر از قدرت ملی است (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۳۰). مرشایمر معتقد است که هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی افزایش داده و این به معنای کسب قدرت به زیان دیگران است و به نظر او دلیل اصلی قدرت طلبی دولتها را باید در ۳ چیز جستجو کرد: ساختار آنارشیک نظام بین الملل، توانمندی های تهاجمی که دولتها از آن بر خوردارند، عدم اطمینان در مورد نیت و مقاصد دشمن. او بر خلاف واقع گرایان کلاسیک. سرشت قدرت طلب و جنگ طلب بشر را مهم نمی داند و معتقد است این دو لت های قوی هستند که به نهادهای بین المللی شکل می دهند تا بتوانند سهم خود را از

قدرت جهانی را حفظ کنند و دولت‌ها باید آنچه را که واقع‌گرایان تنها جمعی دیکته می‌کنند، عمل کنند (مشیرزاد، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۳۲).

از دیدگاه مرشایمر، بحران اوکراین نشان می‌دهد که نظریه رئالیسم در قرن بیست و یک نیز برای تبیین رخداد‌های بین‌المللی قابلیت و توانمندیهایی بسیاری نسبت به سایر نظریه‌ها دارد و بی‌توجهی به آن باعث غافلگیری نخبگان می‌شود. نباید از سیاست تهاجمی پوتین شگفت زده شد. غرب به حیات خلوت روسیه نفوذ کرده و منافع استراتژیک و مهم این کشور را به خطر انداخته بود و این دقیقاً همان نکته‌ای بود که خود پوتین نیز بارها بر آن تأکید کرده است (میرشمایر، ۱۳۹۰: ۸۷). از دیدگاه مرشایمر ریشه اصلی بحران اوکراین، گسترش ناتو، خارج کردن اوکراین از مدار غرب و ادغام آن با غرب، گسترش اتحادیه اروپا و حمایت غرب از جنبش‌های دموکراسی خواه (انقلاب‌های رنگی) می‌باشد.

اهمیت اوکراین برای روسیه

اهمیت اوکراین به قدری است که برژینسکی از آن به عنوان "ترن سیاست منطقه‌ای پس از گسترش اتحادیه اروپا" یاد می‌کند. به لحاظ اقتصادی نیز اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شریک تجاری اوکراین به شمار می‌آید. این کشور محل ترانزیت ۸۰ درصد گاز طبیعی و ۷۵ درصد نفت خام وارداتی اتحادیه اروپا از روسیه است. از همین رو، اوکراین را باید محل تلاقی منافع قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر روسیه، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا نامید. (نکو لعل آزاد، ۱۳۹۴: ۱). سران کرملین خوب می‌دانند که اوکراین گرانبهارترین و مهم‌ترین بخش غیر روسی شوروی سابق است که از دست دادن آن به معنای عدم دسترسی به اروپا و مترادف با بر باد رفتن رویای تبدیل شدن مجدد روسیه به یک ابرقدرت جهانی است و آنچه روسیه در منطقه به دنبال آن بوده، منافع ژئوپولیتیک مشروعش است. اوکراینی که کارخانه‌ها و صنایع سنگین متعددی مانند فولاد [دهمین

تولیدکننده فولاد دنیا]، صنایع نظامی و تسلیحاتی [چهارمین صادرکننده سلاح در دنیا]، تولیدات شیمیایی، ماشین آلات، کشتی سازی و... را از شوروی سابق به ارث برده است. همچنین از نظر کشاورزی موقعیت بسیار مناسبی دارد و بنا بر گزارش سازمان جهانی غذا در سراسر قاره اروپا به دلیل موقعیت آب و هوایی و نوع خاکش دارای بیشترین بهره وری ضمن کمترین مقدار سرمایه گذاری است و نزدیک به ۷۱ درصد خاک این کشور قابلیت کشاورزی دارد. کیف در معبر جغرافیایی مهمی میان اروپای شرقی با خاورمیانه و روسیه قرار دارد که هم مسیر عبور خطوط انتقال گاز به اروپای غربی است و هم راه ارتباطی روسیه با دریای سیاه. ناوگان دریای سیاه نیروی دریایی روسیه در بندر سواستوپول^۱ شبه جزیره کریمه قرار دارد که از نظر تأمین دسترسی نظامی روسیه بر اروپا دارای اهمیت حیاتی است.

در سطح نظام بین الملل نیز، هر قدرت بزرگی به دنبال این امر است تا برای خود فضای اقتصادی امنی ایجاد کند و روسیه نیز از این موضوع مبرا نیست. کشورهای غربی بعد از فروپاشی شوروی و ضعف روسیه از فرصت استفاده کرده و روز به روز بیشتر به سمت مرزهای روسیه نزدیک شدند که این امر علاوه بر به خطر انداختن منافع اقتصادی مسکو، بعضاً تهدیدات امنیتی نیز متوجه آنها می کرد. در نتیجه روس ها به محض خارج شدن از شرایط پس از فروپاشی و به مدد فروش نفت و گاز در صدد شدند تا بار دیگر با ایجاد برخی اتحادیه ها و ساختارهای روس محور، از یک طرف از افتادن جمهوری های سابق شوروی به دامان غرب جلوگیری کنند و از طرف دیگر هژمونی خود در منطقه را استحکام بخشند. در این رابطه نیز همان طور که در فوق اشاره شد اوکراین از اهمیت بالایی برخوردار بود.

در اهمیت اوکراین همین بس که نظریه پردازان معاصر، محدوده این کشور را "سرزمین حیاتی" می نامیدند. "سرزمین حیاتی" نظریه ای است که توسط "هلفورد جان

^۱. Sevastopol

مکیندر" جغرافیدان بریتانیایی در سال ۱۹۰۴ مطرح شد. بر اساس دیدگاه مکیندر هر کسی بر سرزمین حیاتی که منظور او مناطقی از اوراسیای مرکزی بود مسلط می‌شد می‌توانست بر جهان فرمانروایی کند. اوکراین، در میان کشورهایی که پس از فروپاشی شوروی به استقلال دست یافتند با جمعیتی بالغ بر ۴۶ میلیون نفر پس از روسیه دومین قدرت عمده محسوب می‌شود. با توجه به امکانات صنعتی و نیز برخورداری از توسعه سیاسی در این کشور می‌توان گفت این کشور جایگاه نسبتاً خوبی در مقایسه با سایر جمهوری‌های سابق شوروی دارد. اهمیت ویژه اوکراین به لحاظ مختلف از جمله موقعیت ژئوپلیتیکی، باعث گردیده تا رقابتی برای جذب این کشور میان اروپا و روسیه شکل گیرد.

کشور اوکراین به لحاظ ژئوپلیتیک بخاطر واقع شدن در حلقه ابتدایی مهم‌ترین کریدورهای اروپا آسیایی - در نقطه ثقل اوراسیا، دارای اهمیت بسیاری می‌باشد. بارزترین نمود این تلاقی، حوزه انرژی و اهمیت آن هم برای اروپا و هم برای روسیه است. هر چند روسیه بارها سعی کرده است از طریق فشار به اوکراین، یک "جنگ گازی" علیه منافع بلوک غرب راه اندازد، اما نیاز متقابل روسیه و اروپا به ادامه تجارت انرژی؛ عاملی است که اهمیت اوکراین را دو چندان می‌کند. گفته می‌شود اوکراین، ترانزیت بیش از ۸۱ درصد کل صادرات روسیه به اروپا را بر عهده دارد و در این مورد، پای اوکراین در اغلب درگیری‌های ژئوپلیتیک روسیه اروپا به میان می‌آید؛ چرا که اوکراین درست وسط میدان دعوا ایستاده، جایی که اروپا و آسیا در خشکی به هم می‌رسند (همان، ۸). در واقع، درآمدهای روسیه و رشد اقتصادی این کشور پیوند محکمی با ادامه صادرات انرژی‌اش دارد و از سوی دیگر همانطور که گفته شد، اروپا نمی‌تواند روسیه را از فرآیند تأمین امنیت انرژی خود حذف نماید. به طور کلی هفت دلیل برای اهمیت اوکراین در سیاست خارجی روسیه می‌توان مطرح کرد:

- ۱- روسیه در خطوط لوله گاز طبیعی از طریق اوکراین نیاز دارد. چراکه روسیه تأمین کننده اصلی گاز اروپا است.

- ۲- روسیه، اصطلاح "روسیه کوچک" را که بعنوان بخش‌هایی از اوکراین که تحت کنترل تزارهای روس بود را هنوز بکار می‌برد. در سال ۲۰۰۹، پوتین هنگام نقل قول از خاطرات آنتون دنیکن، فرمانده ارتش سفید که علیه بلشویک‌ها جنگید، از اوکراین به عنوان "روسیه کوچک" یاد کرد.
- ۳- بدون اوکراین، اتحادیه اوراسیا وجود ندارد. پوتین سقوط اتحاد جماهیر شوروی را "بزرگ‌ترین فاجعه ژئوپلیتیک" قرن بیستم توصیف کرده است و اوکراین راهکار وی برای ایجاد یک اتحادیه اوراسیا می‌تواند باشد.
- ۴- روسیه معتقد است که تاریخ روسیه و اوکراین با یکدیگر پیوند جدایی ناپذیری دارند. از نظر روسیه، روسیه و اوکراین ریشه‌های عمیق تاریخی و فرهنگی دارند. کیف، پایتخت اوکراین امروزی، زادگاه مسیحیت ارتدوکس و تمدن روسی محسوب می‌باشد.
- ۵- بسیاری از اوکراینی‌ها هنوز هم به زبان روسی صحبت می‌کنند. اختلافات در اوکراین به همان اندازه که از لحاظ زبانی سیاسی هستند، سیاسی است. روسی زبان تقریباً زبان یک سوم از مردم، بطور عمده در مناطق جنوبی و شرقی اوکراین است که تعداد قابل توجهی از قوم روس‌ها در آن زندگی می‌کنند. آن‌ها بیشتر به سیاست‌هایی که برای نزدیک کردن اوکراین و روسیه به هم نزدیک است تمایل دارند.
- ۶- روسیه نگران انقلاب‌ها است. با توجه به سابقه "انقلاب‌های رنگی" متمایل به غرب در طی یک دهه گذشته در منطقه، می‌توان به راحتی درک کرد که روسیه از جانب اوکراین نگران است.
- ۷- روسیه هنوز هم تأثیر منطقه‌ای اوکراین را یک بازی با حاصل جمع صفر می‌داند. جدا بودن اوکراین می‌تواند یک شکست بزرگ سیاسی برای روسیه تلقی شود (nbcnews, 2014).

اختلافات و مناقشات روسیه و اوکراین

مرور تحولات در اوکراین نشان دهنده وضعیت شکننده و بی ثبات صحنه داخلی سیاسی اوکراین است. نزاع بین جریان‌های روس گرا و غرب گرا در اوکراین به تدریج رو به فزونی نهاده است. به ویژه از سال ۲۰۱۳ این روند تمامیت ارضی اوکراین را با مشکل مواجه کرد. در سال ۲۰۱۳ تقاضای غرب گرایان برای پیوستن به اتحادیه اروپا مطرح شد که با مخالفت روس گرایان روبه رو شد. به همین دلیل تظاهراتی در میدان استقلال کیف در ۲۱ نوامبر در اعتراض به تصمیم ویکتور یانوکویچ مبنی بر نپیوستن به اتحادیه اروپا شروع شد. تعداد شرکت کنندگان در تظاهرات بیشتر شد تا اینکه در فوریه ۲۰۱۴ دولت اوکراین سقوط کرد. دانشجویان، هنرمندان، روشنفکران و بعضی از فعالان و نهادهای جامعه مدنی اوکراین در تظاهرات شرکت می‌کردند.

اعتراضاتی که با دخالت آشکار اتحادیه اروپا و آمریکا به سوی اعمال فشار سنگین برای برکنار دولت یانوکویچ سوق یافت. راهپیمایی‌هایی که در فاصله ۱۸ تا ۲۱ فوریه ۲۰۱۴ به خشونت کشیده شد و با وجود توافقی که بین دولت و اپوزیسیون غربگرا حاصل شده بود، با ترک کیف توسط ویکتور یانوکویچ در ۲۲ فوریه، به سقوط دولت اوکراین منتهی شد. جالب توجه اینکه فردای سقوط یانوکویچ، یعنی ۲۳ فوریه ۲۰۱۴ که مصادف با برگزاری آیین اختتامه المپیک سوچی بود، مسکو که از ابتدای بروز بحران با وجود مشاهده مداخله گری‌های آشکار غربی‌ها از ورود صریح به آن دوری می‌جست، به شکلی آشکار وارد گود اوکراین شد. نخستین جرقه‌های اعتراضات جدی در مناطق روس نشین در شرق و جنوب اوکراین از همان ۲۲ فوریه و با راهپیمایی روس گرایانی که پوتین را رئیس جمهور خویش می‌خواندند زده شد. در ۲۶ فوریه شبه نظامیان طرفدار روسیه کنترل شبه جزیره کریمه را به دست گرفتند که با برگزاری همه پرسی ۱۶ مارس به الحاق کریمه به روسیه منتهی شد. (حسینی تقی آباد، ۱۳۹۳: ۵۸). می‌توان گفت که سه مسئله مهم در روابط روسیه و اوکراین، باعث تداوم اختلاف شدید بین این دو کشور است: وابستگی اقتصاد انرژی

اوکراین به روسیه، اخلاف بر سر مالکیت شبه جزیره کریمه و وضعیت ناوگان روسیه در دریای سیاه. (کریمی فرد و روحی دهینه، ۱۳۹۳: ۵۶۱).

منافع روس‌ها در اوکراین عبارتند از:

۱. از لحاظ تاریخی، روس‌ها، کیف را به مثابه خاستگاه تاریخی خود که اولین

دولت روس در آن شکل گرفته، می‌نگرند. اوکراین برای قرون متمادی جزئی از

خاک روسیه بود و تاریخ هر دو کشور دو در هم تنیده شده است. همچنین پاره

ای از مهم‌ترین نبردهای تاریخی در راه آزاد سازی روسیه با «نبرد پولتاوا» در سال

۱۷۰۹ رقم خورده است که در خاک اوکراین اتفاق افتاد.

۲. از لحاظ مذهبی، کیف خاستگاه و محل بنیان کلیسای ارتدوکس روسیه

محسوب می‌شود.

۳. از لحاظ هویتی و فرهنگی، نزدیک به ۲۰ درصد از جمعیت روس زبان اوکراین

در بخش‌های شرقی این کشور پیوندهای فرهنگی، مذهبی و زبانی با روسیه دارند.

۴. از لحاظ اقتصادی، درصد زیادی از صنایع سنگین و مادر اتحاد جماهیر شوروی

در اوکراین وجود داشت و پس از فروپاشی به اوکراین تعلق گرفت. همچنین

حدود ۸۰ درصد گاز طبیعی و ۷۵ درصد نفت خام روسیه بوسیله اوکراین به

اتحادیه اروپا صادر می‌شود. گاز صادراتی روسیه به اروپا از طریق ۱۲ خط لوله

گازی منتقل می‌شود که از این میزان ۵ خط لوله، از خاک اوکراین می‌گذرند. از

سوی دیگر حضور اوکراین در پروژه اتحادیه گمرکی اوراسیا نیز برای روسیه

حائز اهمیت است. بنابراین روس‌ها از لحاظ اقتصادی توجه ویژه‌ای به این کشور

دارند و این کشور ۴۴ میلیونی در سواحل شرقی و غربی دریای سیاه، مهم‌ترین

کشور اروپای شرقی برای روسیه از نظر اقتصادی بشمار می‌آید.. البته اوکراین نیز

وابستگی شدیدی به اقتصاد روسیه داشته و مبادلات گسترده‌ای با روس‌ها دارد.

۵. از لحاظ استراتژیک، کشور اوکراین طی ۴ قرن گذشته، نقش حائل اروپا و روسیه را ایفا کرده و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز مرز اتحادیه اروپا با روسیه محسوب شده است. بنابراین اوکراین به عنوان سنگرگاه روسیه در برابر ناتو و همچنین دیوار دفاعی شرقی روسیه علیه اروپا عمل کرده است. همچنین اوکراین برای روسیه، علاوه بر رقابت ژئوپلیتیک، در حوزه ژئواستراتژیک هم مطلوبیت راهبردی داشت. زیرا ناوگان دریایی روسیه در دی‌ای سیاه نیز در بندر سواستوپل در شبه جزیره کریمه قرار داشت و این مکان برای روسیه دارای اهمیت راهبردی بود. (بهمن، ۱۳۹۴: ۵-۶).

بررسی بحران اوکراین

اوکراین از کشورهای اروپای شرقی است. این کشور از شرق با روسیه؛ در شمال با بلاروس؛ از غرب با لهستان، اسلوواکی و مجارستان؛ از جنوب شرقی با رومانی و مولداوی هم مرز است و در جنوب آن دریای سیاه و دریای آزوف قرار دارد و پایتخت آن شهر کیف و زبان رسمی آن زبان اوکراینی می‌باشد.

نوع حکومت اوکراین جمهوری بوده که از ۲۴ استان تشکیل شده است و دارای یک بخش خودمختار (کریمه) نیز بود. پس از فروپاشی شوروی، اوکراین بعد از روسیه دارای بزرگ‌ترین ارتش در اروپا است. زبان اوکراینی زبان رسمی این کشور است و زبان روسی نیز کاربرد گسترده‌ای دارد. دین رسمی این کشور مسیحیت می‌باشد. ۲۳ آگوست ۱۹۹۱ اوکراین استقلال خود را اعلام کرد. ایران ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ به عنوان اولین کشور استقلال اوکراین را به رسمیت شناخت. (ولیزاده میدانی، ۱۳۹۴: ۶).

همان‌طور که گفته شد جامعه اوکراین همواره با چالش و رقابت دو رویکرد غربگرایی و روسگرایی مواجه بوده است. غربگرایان طرفدار نزدیکی اوکراین به غرب و پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا هستند و در مقابل طرفداران روسیه خواهان ایفای نقش بیشتر روسیه

و نزدیکی اوکراین به شرق هستند. به لحاظ جغرافیای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم ساکن غرب اوکراین طرفدار همگرایی شدید با اروپا و مردم ساکن در جنوب و شرق این کشور، طرفدار حفظ پیوندهای خود با روسیه هستند. (قاسمی، ۱۳۹۲: ۴۸). استانه‌های غربی تمایل به غرب دارند و در تلاش هستند تا با نزدیک کردن خود به استانداردهای موردنظر غرب به نهادهای اروپایی پیوسته و عضوی مهم در میان کشورهای اروپایی محسوب شوند. تمایل دوسویه دولت اوکراین و غرب برای نزدیک شدن به یکدیگر که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آغاز و با انقلاب نارنجی در سال ۲۰۰۴ به اوج خود رسید، اکنون در پرتو تحولات اخیر اوکراین جانی دوباره گرفته است. حوادث اوکراین نشانه‌دهنده آن است که غرب در سیاست خارجی اوکراین جایگاه بااهمیتی دارد و این مسئله‌های است که همواره روسیه و اوکراین را در تقابل با یکدیگر قرار داده است (کرمزادی و خوانساری فرد، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

تظاهرات مردمی در ۱۸ فوریه ۲۰۱۴ و بعد از برخورد پلیس با مردم به صورت ناگهانی شروع شد. آغاز این شورش با تظاهرات ۲۰ هزار نفری مردم در میدان اروپا اتفاق افتاد. در این انقلاب حداقل ۸۲ نفر کشته شدند که ۱۳ نفر آن‌ها پلیس بودند و ۱۱۰۰ نفر مجروح شدند. در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ در پی اعتراضات خیابانی علیه دولت و وخیم شدن اوضاع داخلی اوکراین با رأی پارلمان اوکراین ویکتور یانوکویچ از سمت رئیس جمهوری برکنار شد و پس از تسخیر کاخ ریاست جمهوری توسط مخالفان و رأی پارلمان این کشور مبنی بر بازگشت به قانون اساسی سال ۲۰۰۴؛ که این طرح با ۳۲۵ رأی موافق به تصویب رسید و راه برای آزادی یولیا تیموشنکو نخست وزیر سابق که در روز ۱۹ مهر ۱۳۹۰ برابر با ۱۱ اکتبر ۲۰۱۱ محکوم به زندان شده بود هموار شد. هم‌چنین پارلمان اوکراین به آزادی تیموشنکو از زندان نیز رأی مثبت داد و در ساعاتی بعد در ۲۲ فوریه یولیا تیموشنکو از زندان آزاد شد. پس از برکناری یانوکویچ وی به روسیه گریخت و الکساندر تورچینف به عنوان رئیس جمهور موقت برگزیده شد. (ولیزاده میدانی، ۱۳۹۴: ۹).

نقطه آغاز درگیری‌ها و اعتراضات اخیر در اوکراین، مصوبه دولت اوکراین مصوبه دولت اوکراین پیش از اجلاس ویلنیوس بود. در این اجلاس که در ۲۸ و ۲۹ نوامبر برگزار شد، قرار بود نتایج مذاکرات سه ساله با اتحادیه اروپا مشخص شود. آقای آزارف، نخست وزیر اوکراین چند روز قبل از اجلاس، اعلام کرد که به دلایل تبعات اقتصادی فراوانی که پیوستن به اتحادیه اروپا برای اوکراین دارد، این امر در شرایط فعلی ممکن نیست. در همین راستا سه لایحه قضایی و بنیادین سیاسی که قرار بود تا پیش از برگزاری اجلاس ویلنیوس امضا شود، توسط نخست وزیر دولت اوکراین و پارلمان، معلق و عملاً مسکوت ماند. مصوبه دولت اوکراین و اقدام پارلمان در مسکوت نگه داشتن لوایح سه گانه سبب شد آتش اعتراضات در اوکراین روشن شود. (قاسمی، ۱۳۹۲: ۴۸).

به صورت مختصر می‌توان گفت از نوامبر ۲۰۱۳ صحنه سیاسی اوکراین به دلیل عدم امضای مفاد قرارداد تجاری با اتحادیه اروپا توسط ویکتور یانوکویچ رئیس جمهور این کشور، با مجادلات و منازعات جدی مواجه شده است؛ وضعیتی که در آن قدرت ساز و کارهای کنترل‌کننده (وضع موجود که عمدتاً طرفدار روسیه بودند) در مقابل قدرت ورودی‌های آشوب ساز (خواهان تغییر، که عمدتاً طرفدار غرب بودند) تضعیف گردید و عملاً عرصه سیاست از روندهای معمولی خارج و آنارشسیسم در کف خیابان‌ها تبدیل به یک نیروی اجتماعی تعیین کننده شد و در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ در پی اعتراضات خیابانی علیه دولت و وخیم شدن اوضاع داخلی اوکراین با رأی پارلمان اوکراین، ویکتور یانوکویچ از سمت رییس جمهوری برکنار شد. پس از برکناری یانوکویچ وی به روسیه گریخت و الکساندر تورچینف به عنوان رییس جمهور موقت برگزیده شد. در پی این حوادث شبه جزیره کریمه توسط نیروهای روسی تحت عنوان محافظت از روس تبارهای این ایالت خودمختار اشغال شد. چند روز بعد از این اتفاقات، مردم شبه جزیره کریمه در برگزاری همه پرسی سراسری، موافقت ۹۶ درصدی خود را با پیوستن به کشور روسیه اعلام کردند و این شبه جزیره رسماً جزئی از خاک روسیه شد. پس از آن، مردم شهرهای شرقی اوکراین

که خواهان جدایی از اوکراین و پیوستن به روسیه بودند، به زدوخورد با نیروهای دولتی پرداخته و اقدام به برگزاری همه پرسی استقلال کردند و این بحران تاکنون ادامه پیدا کرده است. (نادری، ۱۳۹۳: ۸).

روسیه و بحران اوکراین

نگرش روسیه به بحران اوکراین بر اساس مؤلفه مهم وجهه و اعتبار قابلیت ارزیابی دارد. روسیه به دنبال بحران اوکراین احساس کرد که شان و منزلتش رعایت نشده است. کشورهای غربی به سقوط دولت طرفدار روسیه در اوکراین کمک کرده‌اند و دولت جدید نیز طرفداران روسیه در اوکراین را تحت فشار گذاشته است. بنابراین، روسیه در مقابل غرب ایستاد، مقاومت کرد و نه تنها تسلیم تهدیدهای غرب نشد بلکه به موازات تشدید تهدیدهای غرب اقدامات و مداخلات خود را در اوکراین بیشتر کرد.

بحران اوکراین از مهم‌ترین مواردی است که نشان می‌دهد برای دولت و مردم روسیه به عنوان وارث یک امپراتوری و قدرت بزرگ سنتی، چیزی بیش از منافع اقتصادی صرف اهمیت دارد. روسیه که در ابتدا مواضع تندی در قبال بحران اوکراین و دولت کودتایی این کشور (به ادعای روسیه) داشت، پس از تهدید و تحقیر غرب (اعمال تحریم‌های مختلف و اخراج روسیه از گروه جی ۸) نه تنها نرمشی در مواضع خود نشان نداد، بلکه با جدیت و اقتدار بیشتری پس از اشغال کریمه از احتمال دخالت در سایر مناطق شرقی اوکراین صحبت می‌کند. اگرچه عده ای معتقدند که روسیه منافع بلندمدت خود را با روی کار آمدن دولت غربگرا در اوکراین در خطر دیده است و به همین دلیل موضع تندی اتخاذ کرده است، اما واقعیت این است که این موضع‌گیری روسیه بیش از آنکه در راستای منافع این کشور قرار گیرد، در تضاد با منافع روسیه تعریف می‌شود.

با این حال، نکته جالب این است که در طول این مدت، محبوبیت داخلی پوتین به دلیل موضع مقتدرانه وی در قبال مساله اوکراین افزایش یافته است. روسیه احساس کرد که

کشورهای غربی به سقوط دولت طرفدار روسیه در اوکراین کمک کرده‌اند و دولت جدید نیز طرفداران روسیه در اوکراین را تحت فشار گذاشته است. بنابراین، روسیه در مقابل غرب ایستاد و تسلیم تهدیدهای غرب نشد. این مساله به دولت و مردم این کشور این احساس را داد که آن‌ها توانسته‌اندشان و منزلت خود را حفظ کنند یا مجدداً بازیابند. (حاتم زاده، ۱۳۹۳: ۱). پس از به دست آوردن استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ از مسکو، حضور ناوگان دریای سیاه اتحاد جماهیر شوروی پس از عزیمت به روسیه پایان یافت. در توافق نامه ای اوکراین به روسیه اجازه داد از بندر کریمه سواستوپل به عنوان پایگاه اصلی ناوگان دریای سیاه روسیه استفاده کند. هنگامی که پوتین در فوریه ۲۰۱۴ دستور اشغال کریمه را صادر کرد، نیروهای روسی با لباس و وسایل نقلیه بدون علامت از تسهیلات ناوگان دریای سیاه روسیه در سراسر شبه جزیره گذر کردند (kim, 2018). این مسئله تداعی گرآن است که اوکراین بین سالهای ۱۹۲۰-۱۹۹۱ مشارکت مهمی در اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی داشت.

روسیه به دلیل تجدید ساختار نفوذ اقتصادی خود بر جمهوری‌های سابق شوروی از سال ۲۰۰۷ «اتحادیه گمرکی اوراسیا» را با حضور قزاقستان و بلاروس تأسیس کرد که هدف آن جذب سایر جمهوری‌ها و افزایش توان اقتصادی اعضا و همچنین بالا بردن نفوذ ژئوپولیتیک روسیه در این منطقه است. اما اتحادیه اروپا و آمریکا برای مقابله با قدرت یابی این اتحادیه و جلوگیری از پیشروی اهداف آن تلاش می‌کنند تا مانع از پیوستن جمهوری‌های کلیدی شوروی سابق مانند اوکراین به آن شوند و به همین منظور از طریق صندوق بین المللی پول برنامه اقتصادی ای با عنوان «مشارکت شرقی» را به این کشورها و از جمله اوکراین پیشنهاد کردند. برنامه ای که عدم پذیرش آن از سوی ویکتور یانوکوویچ به بحران اخیر منجر شد. (جهان، ۱۳۹۳: ۱).

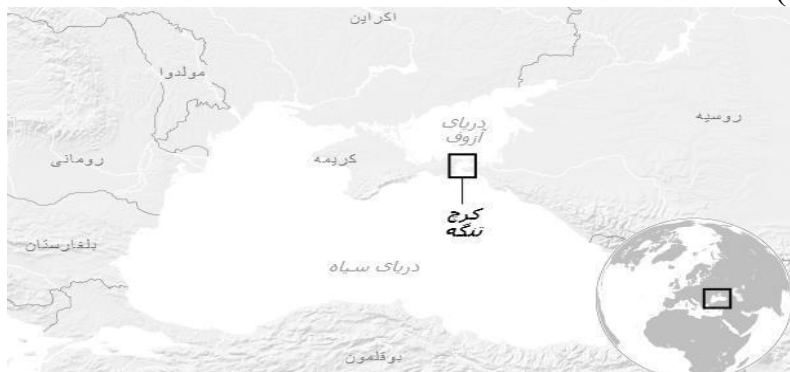
با یک بینش استعلاایی با عنایت به سیاست گسترش حوزه نفوذ روسیه در مناطق پیرامونش، سطح تحلیل دیگری بر ما اهمیتی یابد که رویکرد مداخله جویانه روسیه در چند

ساله اخیر در کشورهای پیرامون خود حاکی از قدرت یابی دوباره روسیه برای برهم زدن چینش کنونی نظم بین المللی است، بطوریکه پوتین به عنوان رییس جمهور روسیه در امتداد آمال و آرزوها خود به دنبال بازیابی مرزهای روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی است. اهمیت بنیادین اوکراین بعد از فروپاشی شوروی نیز همچنان برای روسیه قابل توجه است. دلیل نخست اینکه دسترسی به دریاهای آزاد است. دریای سیاه و بندر سواستوپل با عمق ناوگانی بسیار بالا با اهمیت است. در صورت از دست دادن این حوزه ارتباط روسیه با جهان آزاد گسسته خواهد شد. مرزهای چین - روسیه که غیر فعال هستند، شمال روسیه قطب است. جنوب منتهی به دریاچه بسته است و فقط دریای سیاه و بندر سواستوپل به آبهای آزاد دسترسی دارد. به همین خاطر است که در قرار داد معروف به خارکوف، روسها در ازای فروش گاز به قیمت ۳۰ درصد ارزان تر به اوکراین، برای بندر سواستوپل قرارداد ۲۵ ساله می بندند، نشانگر اهمیت سواستوپل برای روسیه است. در حالیکه روسیه در حاشیه دریای سیاه ساحل دارد، ولی به دلیل نداشتن عمق ناوگانی لازم، کاربرد مطلوب را برای مسکو ندارد. بنابراین یکی از راهبردهای مهم روسیه، حفظ حاکمیت و حوزه ژئوپلیتیک در این نقطه است که برای حفظ ارتباطش با جهان به آن نیاز دارد و موضوع کریمه در این چارچوب معنا می یابد...بعلاوه، اوکراین کشوری است که ۱۱ هزار هواپیما از زمان شوروی سابق تاکنون برای کشورهای مشترک المنافع و حوزه های اقماری روسیه تولید کرده است و در واقع، روسیه احیای ظرفیت صنایع هوایی خود را مرتبط به توان صنایع هوایی اوکراین قلمداد می کند و همچنین از دست رفتن توان اتمی اوکراین که ۵۰ درصد برق اتمی اش را به منطقه صادر می کند، به معنای از دست رفتن یک ظرفیت باارزش برای روسیه به عنوان یک قدرت اتمی است. (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۴).

در مارس ۲۰۱۴، هنگامی که نیروهای ویژه روسی شبه جزیره کریمه اوکراین را اشغال کردند و ادعا کردند که از دسترسی بندرگاه خود به دریای سیاه محافظت می کند - بحران به وقوع پیوست. اوکراین قصد داشت با همکاری شرکت های آمریکایی ذخایر گاز طبیعی

کریمه را طی دو سال توسعه دهد و اگر این کار را انجام می‌داد، روسیه یکی از بزرگ‌ترین مشتری‌های خود را از دست می‌داد. بین سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴، درگیری نظامی بین سربازان اوکراینی و جدایی طلبان تحت حمایت روسیه در شرق اوکراین ادامه یافت و بیش از ۱۰,۰۰۰ نفر کشته شدند. در ۲۵ نوامبر ۲۰۱۸، کشتی‌های روسی به سه کشتی اوکراینی در بندر کریمه آزوف در نزدیکی دریای سیاه حمله کردند. این کشور یک باری را برای مسدود کردن بندر قرار داد و اظهار داشت که اوکراین آب‌های روسیه را نقض کرده است، اگرچه دو طرف در سال ۲۰۰۳ توافق نامه ای را برای تضمین عبور آزاد از این تنگه امضا کردند (AMADEO, 2019).

اوکراین نیز دارای چندین بندر است که به دریای سیاه و به بازارهای اروپا و جهانی پیوند می‌دهد. اوکراین در ماه ژوئیه شکایت کرده است که روسیه از محدوده جدید ۳,۷ میلیارد دلاری، ۱۹ کیلومتری (۱۲ مایل) خود برای محدود کردن فعالیت‌های دریایی استفاده می‌کند. تنگه کرچ به عنوان یک کانال اصلی صادراتی برای غلات، روغن، مواد معدنی و چوب و با اهمیت منطقه ای در تجارت جهانی مواد غذایی است (Kudrytski, 2019).



بنابراین روسیه یک رویکرد ناستالوژیکی به سال‌های استقرار شوروی داشته و در پی احیای قدرت آن در سطح بین‌المللی در لباس روسیه است باید سخنان ولادیمیر پوتین رییس‌جمهور روسیه را در ذهن تداعی کنیم که قبل‌ها بطور روشن و مبرهن این نکته را

عنوان کرده که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یک اشتباه تاریخی بوده است و مسیبان روسی آن (گورباچف و ...) مجرم هستند و باید محاکمه و اعدام گردند. (مطهری، ۱۳۹۳: ۱).

پیامدهای بحران اوکراین؛ تقابل اروپا با روسیه

بعد از شکل گیری بحران اوکراین اتحادیه اروپا، با اعمال تحریم‌ها بر علیه روسیه، در حوزه‌های اقتصادی، تولیدات و نظامی، پوتین رئیس جمهور روسیه را غافلگیر کرد. (Gabuev, 2015). از همین رو تحریم اقتصادی واقدامات ناتو در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- تأثیر بحران اوکراین بر تحریم اقتصادی روسیه

بعد از شکل گیری بحران اوکراین هم روسیه و هم اتحادیه اروپا روز به روز بیشتر از قبل در این کشمکش و درگیری فرو رفتند زیرا آن‌ها دریافته بودند در صورتی که طرف مقابلشان پیروز میدان شود ممکن است اوکراین را از دست دهند و دیگر نتوانند تأثیری بر این کشور داشته باشند. بنابراین در این راستا اتحادیه اروپا تصمیم گرفت که برخی مقام‌های اوکراین، مانند ویکتور یانوکویچ (رئیس جمهور سابق اوکراین) و مقام‌های روسی را تحریم کند و سرعت و دامنه‌ی این تحریم‌ها آنقدر غافلگیر کننده بود که نتوانستند راه حلی برای آن بیابند. (Delcour & Kostanyan, 2014: 9). در جدول زیر به بررسی سیاست‌های تحریمی اتحادیه اروپا بر ضد روسی می‌پردازیم که در این راستا سطح و گستره‌ی تحریم‌ها، تدابیر اعمال شده بر ضد روسیه و مبانی حقوقی این تحریم‌ها را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

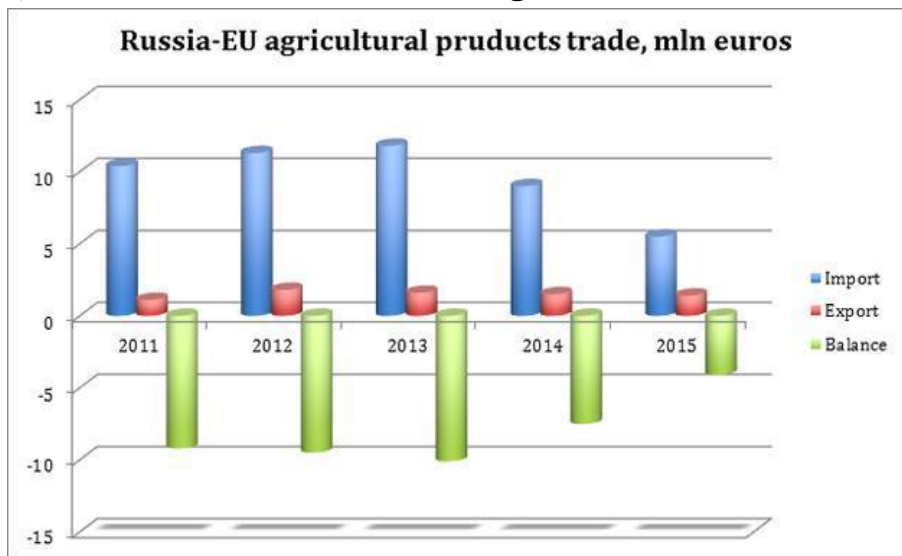
سیاست‌های اتحادیه اروپا در اعمال تحریم بر ضد روسیه

تحریم‌های اتحادیه اروپا	تحریم‌های اعمالی در چارچوب سیاست خارجی و امنیتی مشترک	قطع روابط مالی و اقتصادی	
سطح و گستره تحریم‌ها	تعلیق کمک‌های مالی و فنی اتحادیه اروپا و همچنین تعلیق توافقنامه‌های بین‌المللی	ممنوعیت صدور ویزا و تحریم‌های تسلیحاتی	توقف و یا کاهش بخش یا تمام روابط مالی و اقتصادی
مبانی حقوقی	بسته به نوع تحریم‌ها (ماده ۲۱۸ و ماده ۲۱۵ پیمان مؤسس اتحادیه اروپا)	تصمیم‌گیری شورا (مواد ۲۹، ۳۰ و ۳۱ پیمان اتحادیه اروپا)	مقررات شورا (ماده ۲۱۵ پیمان مؤسس اتحادیه اروپا)
نحوه تصمیم‌گیری	بسته به نوع ابزار مورد استفاده	اجماع میان دولت‌های عضو	اکثریت کیفی
تدابیر تنبیهی اعمال شده بر ضد روسیه	تعلیق گفتگوها در خصوص لغو روادید، تعلیق گفتگوها در خصوص توافقنامه‌های جدید و تعلیق برخی برنامه‌های دو جانبه	ممنوعیت صدور ویزا برای ۱۱۹ مقام روسی و اعمال تحریم‌های تسلیحاتی	مسدود ساختن دارایی ۱۴۲ مقام و نهاد روسی، اعمال تحریم‌های اقتصادی با هدف آسیب زدن به بازار سرمایه و فناوری‌های حساس

Source: (raik et al. 2014: 7)

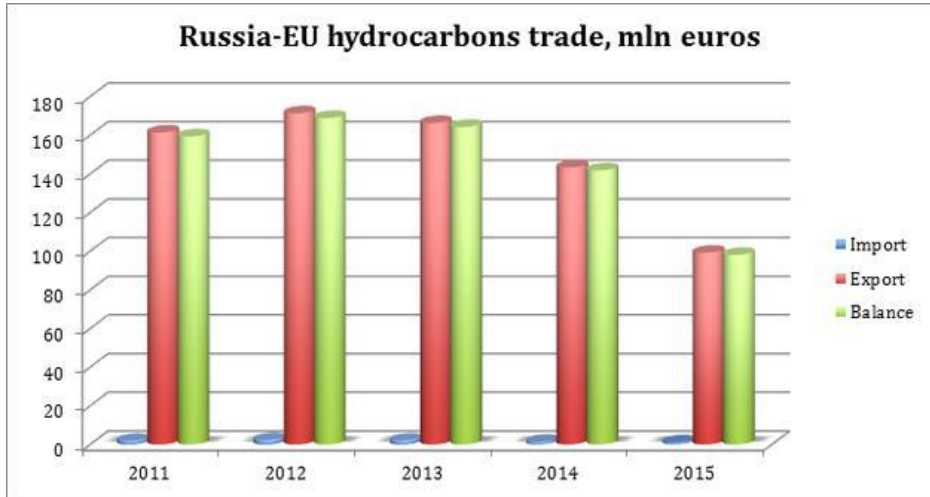
یکی از اصلی‌ترین نتایج جنگ تحریمی، کاهش بیش از ۵۰ درصدی صادرات کشاورزی از اتحادیه اروپا به روسیه در سال ۲۰۱۵ در مقایسه با سال ۲۰۱۳ بود. در همین زمان کاهش توازن منفی تجاری بین روسیه و اتحادیه اروپا نیز در این گروه شکل گرفت. این مساله را می‌توان به سختی نوعی موفقیت در اقتصاد روسیه دانست.

در پنج سال گذشته روابط تجاری بین اتحادیه اروپا و روسیه بی ثبات و وابسته به سرعت رشد اقتصادی در روسیه بوده است. کاهش روابط تجاری روسیه و اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۳ آغاز شد، زمانی که اقتصاد روسیه برای نخستین بار نشانه‌های ضعف را از خود بروز داد. به هرحال تشدید شرایط سیاسی و تحریم‌ها در سال ۲۰۱۴ که با کاهش قیمت نفت همراه شده و افزایش تنش‌های اقتصادی در روسیه این فرایند را سرعت بخشید و منجر به کاهش تجارت در تعداد زیادی از صنایع شد. همانطور که در نمودار زیر مشاهده می‌کنیم.



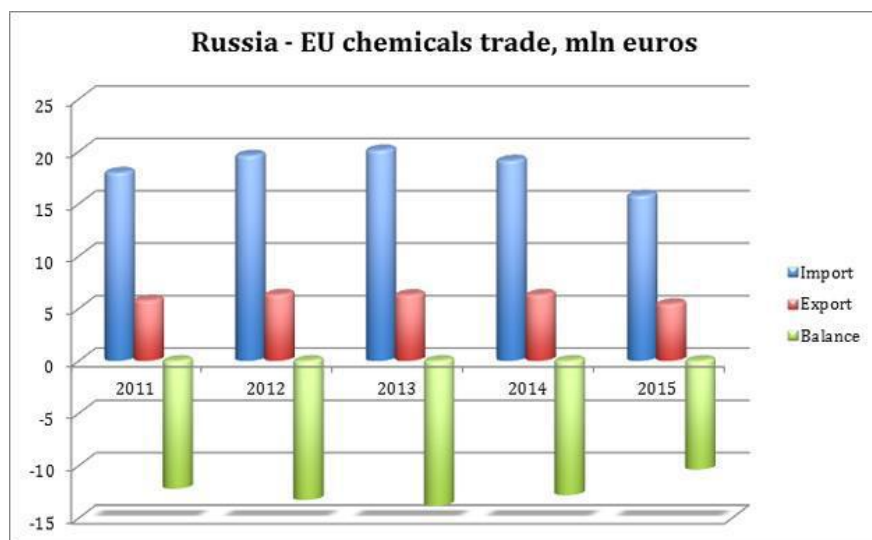
(Source: Eurostat)

هیدروکربن که اصلی‌ترین صادرات روسیه به اتحادیه اروپا محسوب می‌شود نیز بیشترین آسیب را در روابط تجاری دیده است. در پایان سال ۲۰۱۵ کاهش صادرات هیدروکربن با اتحادیه اروپا در مقایسه با بیشترین میزان آن در سال ۲۰۱۲ حدود ۴۲ درصد بود. در این مورد نیز عامل اقتصادی نقش اصلی و تعیین کننده را ایفا می‌کند. نخستین دلیل برای کاهش صادرات، سقوط قیمت‌های نفت بود.



(Source: Eurostat)

تصویر تأمین کنندگان روسی در دو صنعت دیگر و در حوزه ساختار تجاری روسیه و اتحادیه اروپا بهتر به نظر می‌رسد، این دو صنعت عبارت‌اند از مواد شیمیایی و مهندسی. برای مثال رکود روسیه در زمینه صنایع شیمیایی در سطح پایینی قرار داشته است: در سال ۲۰۱۵ کاهش ۱۵ درصد بوده که در زمینه نرخ مبادلات ارزی روسیه افزایش است. محموله‌های ارسالی از سوی اتحادیه اروپا نیز کاهش کمی داشته است. (در سال ۲۰۱۵، ۲۲ درصد کاهش بوده در حالی که در سال ۲۰۱۴ همان میزان سال ۲۰۱۳ را حفظ کرده بودند (نوکسایا، ترجمه رحمت، ۱۳۹۵). رکود روسیه در زمینه صنایع شیمیایی در نمودار زیر نشان داده شده است:



۲- تأثیر بحران اوکراین بر روابط ناتو و روسیه

چرخش آشکار سیاست جهانی آمریکا و ناتو علیه روسیه، نتیجه اساسی بحران اوکراین و اختلاف نظر دو طرف در خصوص بسیاری از مسائل جهانی به ویژه تحولات جنوب غرب آسیا (خاورمیانه) است. اگر تغییر رژیم در اوکراین به عنوان نقطه مبدأ تشدید تنش میان روسیه و غرب در نظر گرفته شود، طی چند ماه اخیر از یک سو جنگ تمام‌عیار اقتصادی علیه روسیه با استفاده از همه وسایل و روش‌ها توسط غرب راه‌اندازی شده و از سوی دیگر، ناتو، آمریکا و اتحادیه اروپا به رویارویی بیشتر با روسیه کشیده شده‌اند.

بعد از اختلافات روسیه و ناتو در بحران اوکراین، شورای روسیه و ناتو منحل شد و ناتو همکاری‌های خود را با روسیه به حالت تعلیق در آورد. دکترین نظامی جدید روسیه نشان دهنده افزایش تهدید غرب علیه این کشور و شدت واکنش روسیه به این تهدید بود. در یکی از بندهای سند دکترین نظامی روسیه آمده که مسکو مجازات اقدامات نظامی غیرهسته‌ای ناتو را با اقدامات هسته‌ای تلافی می‌کند که نشان دهنده موقعیت ضعیف‌تر روسیه نسبت به ناتو است. بنابراین بحران اوکراین، واگرایی همکاری‌های روسیه و ناتو را موجب شد. از نظر کشورهای عضو پیمان ناتو، روسیه اصول بنیادین قانون نهادی ناتو-

روسیه را لغو کرده است. اگر چه اوکراین عضو ناتو نیست و این سازمان وظیفه‌ای جهت دفاع از آن در برابر روسیه و یا هر کشور دیگر ندارد، اما غرب سعی می‌کند دولت جدید کی‌یف را با کمک‌های نظامی همچنان سر پا نگه دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد که تحولات اخیر در اوکراین و اظهارات رهبری روسیه درباره تعهد به حفاظت از منافع روس‌ها در کشورهای همسایه، حیات تازه‌ای به این پیمان نظامی غربی بخشیده است و باعث شده که اعضای سازمان در قالب هدف بازگشت به آینده درصدد سازمان‌دهی دفاع دسته‌جمعی در برابر خطرات آتی از سمت شرق بر آیند.

در راستای مقابله ناتو و روسیه در اوکراین، ناتو سامانه‌های سپر موشکی را در ترکیه نصب کرد و براساس گزارش‌ها، ناتو سال ۲۰۱۵ بیش از ۲۰۰ رزمایش برگزار کرد که نیمی از این تمرین‌ها نزدیک مرزهای روسیه در منطقه بالتیک و شرق اروپا بوده و همزمان شمار نیروهای استقراری خود را در این مناطق افزایش داده است. از همین رو، معاون کمیسیون امور دفاعی و امنیتی شورای فدراسیون روسیه نیز با اعلام اینکه ناتو زمینه‌های لازم ضربه زدن به مسکو را در سطح جهانی فراهم می‌کند، گفت: نیروهای مسلح روسیه تسلیحات و تجهیزات نظامی را با توجه به فعالیت‌های ناتو متمرکز می‌کند و یگان‌های ارتش نیز بر این اساس مستقر خواهند شد. با وجود اینکه مسکو بارها اعلام کرده با اتخاذ تدابیر لازم از جمله تشکیل سه لشکر ویژه ضد ناتو نزدیک مرزهای خود با چنین اقدام‌هایی مقابله خواهد کرد، اما طرح‌های گسترش نفوذ نظامی غرب نزدیک مرزهای روسیه ادامه دارد. سرگئی شویگو وزیر دفاع روسیه با بیان اینکه واشنگتن و ناتو با اجرای طرح‌های خطرآفرین موشکی، مخارج نظامی را افزایش می‌دهند، اعلام کرد: برنامه‌های مختلف نظامی از جمله استقرار تاسیسات نزدیک مرز روسیه، مسکو را وادار می‌کند تدابیر متقابلی اتخاذ کند. البته مقام‌های ناتو گفته‌اند که یگان‌های نظامی این پیمان به صورت چرخشی در کشورهای میزبان انجام وظیفه خواهند کرد و قرار نیست پایگاه دائمی در هیچ یک از این کشورها تأسیس شود (کرمی، ۱۳۹۵: ۴).

نتیجه گیری

سیاست خارجی روسیه را باید یکی از برجسته‌ترین مصادیق عینی «مکتب واقع گرایی» در جهان نامید که از این نکته نظر مهم‌ترین اصولی هم که بر سیاست خارجی روسیه حاکم است اصول و مبانی پارادایم واقع گرایی است که دکترین جدید نظامی و امنیتی روسیه نیز ریشه در این اصول و مبانی دارد. از اواسط دهه ۱۹۹۰، رهبران روسیه سرسختانه با گسترش ناتو مخالفت کرده است. روس‌ها در سال‌های اخیر نیز به صراحت اعلام کرده‌اند در شرایطی که همسایه مهم استراتژیک آن‌ها به دژ مستحکم غرب تبدیل می‌شود، کنار نخواهند ایستاد... پوتین به این اقدام غرب، با گرفتن کریمه پاسخ داد؛ شبه جزیره ای که نگران بود روزی مقر پایگاه دریایی ناتو شود. وی همچنین به عنوان بخشی از واکنش خود، برای بی‌ثبات کردن اوکراین تا زمانیکه دست از تلاشها برای ملحق شدن به جبهه غرب بردارد، جنگید. بنابراین بحران اوکراین، واگرایی همکاری‌های روسیه و ناتو را موجب شد. از نظر کشورهای عضو پیمان ناتو، روسیه اصول بنیادین قانون نهادی ناتو- روسیه را لغو کرده است. اگر چه اوکراین عضو ناتو نیست و این سازمان وظیفه‌ای جهت دفاع از آن در برابر روسیه و یا هر کشور دیگر ندارد اما در راستای مقابله، ناتو سامانه‌های سپر موشکی را در ترکیه نصب کرد و براساس گزارش‌ها، ناتو سال ۲۰۱۵ بیش از ۲۰۰ رزمایش برگزار کرد که نیمی از این تمرین‌ها نزدیک مرزهای روسیه در منطقه بالتیک و شرق اروپا بوده و همزمان شمار نیروهای استقرار خود را در این مناطق افزایش داده است. همچنین تحریم‌های اقتصادی اروپا بر علیه روسیه نیز در حمایت از اوکراین بوده است. اوکراین از لحاظ اقتصادی و جغرافیای سیاسی دارای اهمیت زیادی است و این امر باعث شده تا در محل تلاقی منافع قدرت‌های بزرگ قرار بگیرد. در واقع انگیزه و اهداف قدرت‌های بزرگ خصوصاً روسیه، اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که روند مناسبات اقتصادی و سیاسی در مورد اوکراین غالباً بر اساس الگوی تضاد و رقابت بوده است.

فهرست منابع:

- بهمن، شعیب (۱۳۹۳). «اوکراین؛ راه حل های یک بحران»، دیپلماسی ایرانی، ۱۷ شهریور.
- تقوایی، احسان (۱۳۹۳). آیا منزوی کردن روسیه امکان پذیر است؟ واکنش مسکو به کمک تسلیحاتی آمریکا به اوکراین چیست، مشرق، ۱۵ اسفند.
- حاتم زاده، عزیز الله (۱۳۹۳). «بازی روسیه در زمین اوکراین»، خبر آتلاین، ۷ اردیبهشت.
- حسینی تقی آباد، مهدی (۱۳۹۳). هویت های در هم تنیده؛ مؤلفه ها و ظرفیت های داخلی تداوم و تشدید بحران اوکراین، همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۲، خرداد.
- جهان (۱۳۹۳). «جذابیت اوکراین برای آمریکا و روسیه چیست؟»، جهان نیوز، ۲۸ اردیبهشت، به آدرس اینترنتی:
- <http://jahannews.com/fa/doc/news/360772/>
- کر مزادی، مسلم و فهیمه خوانساری فرد (۱۳۹۳). بررسی روابط اوکراین و روسیه ریشه یابی زمینه های بحران ۲۰۱۴، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۶، صص ۱۵۹-۱۳۵.
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۹۵). ناتو در ورشو؛ محاصره روسیه، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا.
- کریمی فرد، حسین و روحی دهینه، مجید (۱۳۹۳). «بیشینه سازی قدرت روسیه در قبال بحران اوکراین»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۳، پاییز.
- قاسمی، اکبر (۱۳۹۲). در آتش رقابت شرق و غرب، هفته نامه پنجره، سال پنجم، شماره ۱۸۵، ۱۲ بهمن.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۴). روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها، نشر سمت، چاپ دهم.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲). تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: سمت.
- مطهری، مصطفی (۱۳۹۳). «مروری بر تحولات اوکراین با تاکید بر نقش نوستالوژیک روسیه و پوتین نسبت به اقمار دیروز اتحاد جماهیر شوروی»، بولتن نیوز، ۷ مهر.
- میرشایمر، جان (۱۳۹۰). تراژدی سیاست قدرت های بزرگ، غلامعلی چگنی زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ سوم.
- نادری، احمد (۱۳۹۳). اوکراین در کشاکش دو اتوپیا: بررسی بحران اوکراین از منظر اجتماعی»، خبرگزاری فارس، ۲۱ تیر.

نکولعل آزاد، فاطمه (۱۳۹۴). «اقتصاد سیاسی بحران اوکراین و نقش قدرتهای بزرگ»، تابناک، ۳۰

اردیبهشت

ولیزاده میدانی، رامین (۱۳۹۴). «بررسی آخرین وضعیت بحران اوکراین»، دیدبان، ۲۹ تیر.

- Alexander Gabuev, (2015). 'A "Soft Alliance"? Russia–China Relations after the Ukraine Crisis', ECFR Policy Brief (February 2015); and Eduard Steiner, 'Der Handschlag, Der Putins Riskanten Plan Besiegelt', Die Welt (13 July).

- AMADEO, K (2019, October 21). Retrieved from Summary and Explanation of the Ukraine Crisis: <https://www.thebalance.com/ukraine-crisis-summary-and-explanation-3970462>

- Delcour, Laure & Kostanyan, Hrant (2014): Towards a Fragmented Neighbourhood: Policies of the EU and Russia and their consequences for the area that lies in between (CEPS Essay No. 17). Accessed on 4 July 2016 from the Website: HYPERLINK "<http://aei.pitt.edu/56061/>"

- Kim, L (2018, November 28). Retrieved from Why The Crisis Between Ukraine And Russia Has Taken To The Sea: <https://www.npr.org/2018/11/28/671615172/why-the-crisis-between-ukraine-and-russia-has-taken-to-the-sea>

- Kudrytski, A (2018, November 30). Retrieved from Why the Russia-Ukraine Conflict Is Now Flaring at Sea: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-11-26/why-the-russia-ukraine-conflict-is-now-flaring-at-sea-quicktake>

- nbcnews (2014, Feb 19). Retrieved from Seven Reasons Why Russia Wants to Keep Ukraine All to Itself: <https://www.nbcnews.com/storyline/ukraine-crisis/seven-reasons-why-russia-wants-keep-ukraine-all-itself-n33391>

- Raik, K. ; Helvig N and Jokela, J (2014), EU Sanctions Against Russia, Europe Brings a Hard Edge to its Economic Power, FIIA Briefing Paper 162, February, Available at: http://www.fiia.fi/en/publication/450/eu_sanctions_against_russia/, Accessed on: October 30